

بررسی کفایت‌ها و کاستی‌های ترجمه استاد الهی قمشه‌ای رحمه الله
ماشاء الله بیات مختاری

یکی از ترجمه‌های قرآن در شصت سال اخیر که از بیشترین محبوبیت و شهرت و جاذبه و تعدد چاپ و تکثیر نسخه‌ها برخوردار بوده و هست، ترجمه مرحوم استاد محیی‌الدین مهدی الهی قمشه‌ای می‌باشد. در بررسی کفایت‌ها و قوت‌ها، کاستی‌ها و کمبودهای آن ترجمه به طور خلاصه به ذکر پنج نکته می‌پردازیم:

- ۱ - نگاهی کوتاه به زندگی مترجم
- ۲ - انواع ترجمه، شرایط مترجم و وجود دشواری و تنگنا در ترجمه قرآن
- ۳ - مزایا و امتیازات ترجمه استاد الهی قمشه‌ای
- ۴ - سیر نقدها بر آن ترجمه
- ۵ - بررسی اجمال‌گونه نارسایی‌ها و کاستی‌های آن ترجمه

(۱) نگاهی کوتاه به زندگی مترجم
در سال ۱۲۸۳ شمسی در هشتاد کیلومتری جنوب اصفهان در شهر قمشه متولد شد. دانش‌طلبی و کسب معرفت را در همان شهر آغازید سپس در اصفهان که از مرکزیت علمی و نام‌آوری برخوردار بود اقامت گزید و از خرمن دانش اساتیدی متعدد از جمله سید حسن مدرس که به درس او توجه ویژه‌ای نشان می‌داد خوشه چید و بهره برد و در زمینه‌های گوناگون از جمله فلسفه و حکمت صاحب نظری نسبی گردید. شهره و نام‌بردار بودن مردان علمی حوزه مشهد همچون آقا حسین قمی و میرزا مهدی اصفهانی مؤسس و تئورسین مکتب تفکیک و... او را به مشهد کشاند و سالها در مشهد رضوی از ستارگان و عالمان فرزانه آن سامان حریصانه علم و عرفان آموخت و آجرهای ساختمانی شخصیت علمی و عملی خویش را ارتفاع و ارتقاء بخشید.

روح بزرگ و دریاگونه او از سویی، و فزون خواهی سیراب ناپذیر معرفت دینی که در عمق روح او عجین شده بود از سوی دیگر، او را عازم نجف اشرف، شهر فقیه پرور و پر آوازه بین‌النهرین ساخت. در طی طریق بین مبدأ و مقصد شبی را در مدرسه سپهسالار تهران (مدرسه عالی شهید مطهری) توقف کرد. پس از سپیده دمان با سید حسن مدرس که برای تدریس کتاب کفایة الاصول آمده بود، به طور اتفاقی ملاقات کرد و تجدید خاطره پیشین حضور در اصفهان رخ نمود و شاگرد به معلم و استادی که سخت او را دوست می‌داشت، کرنش و احترام کرد. درخواست مدرس از او برای ماندن و تدریس در تهران مورد پذیرش قرار گرفت و نقطه عطفی در زندگی الهی قمشه‌ای با تقدیرات معبود قدوسی و قیوم سبب ساز و سبب سوز رقم خورد. و او جزو اساتید مبرز مدرسه سپهسالار - که بعدها به دانشکده معقول و منقول، تغییر نام یافت - گردید.

او به مدت ۳۵ سال در دانشگاه تهران و حوزه‌های علمیه در رشته‌های فلسفه، حکمت و تفسیر و سایر علوم اسلامی مشغول تدریس بود، و در رشته‌های گوناگون علوم اسلامی آثاری گران‌سنگ رقم زد. بعلاوه، ترجمه‌هایی شیرین و شیوای از قرآن و صحیفه سجادیه و مفاتیح الجنان به زبان پارسی از خود به یادگار گذاشت.

بدون هیچ‌گونه تردید او ادیبی مشهور، عارفی متشرف، صاحب‌دلی کم‌بديل، حکیمی متألّه و مترجمی زبردست بود که مناصب و مقامات عاریت دنیوی در نگاه او ارزشی نمی‌ارزید، از شهرت متنفر و از لغو‌گفتاری و رفتاری، گریزان و به دقت و احتساب گرایش، و عفت در کلام همیشه در او مشاهده می‌شد. حکمای متألّه و معاصر همچون حسن زاده آملی و جوادی آملی از محضر پر فیض او به مدت ۱۱ سال پیوسته سود و بهره برده‌اند و وجود اینان همچون آئینه‌ای آن استاد را نمایان‌گرند.

به گفته استاد حسن زاده آملی او در اصل از سادات بحرین و از خاندان علم، زهد، عرفان و تقوای آن ناحیه است که در زمان نادرشاه افشار مخفیانه وارد ایران شدند. خود آن سفر کرده بارها این نکته را تکرار می‌کرده است و نیز یادآوری می‌کرده که چون در کسوت متعارف فعلی شناخته شده‌ام از این رو از تبدیل عمامه سفید به سیاه خودداری می‌کنم. ۱.

(۲) انواع ترجمه

واژه «ترجمه» بر وزن فعلله مصدر فعل رباعی و در لغت به معنای تبیین و ایضاح و کشف و بیان است و در اصطلاح امروز، ترجمه، برگرداندن مطلبی از زبان مبدأ به زبان مقصد است که در آن تعدد زبان شرط است. ترجمه به سه گونه انجام می‌پذیرد.

- ۱ - ترجمه تحت اللفظی یا همگام
- ۲ - ترجمه معنوی

۳ - ترجمه تفسیری

۱ - ترجمه همگام: به این صورت است که مترجم به جای هر واژه از زبان مبدأ کلمه‌ای از زبان مقصد را جایگزین می‌سازد. ترکیب بندی‌های کلام مبدأ را یک به یک و واژه به واژه تبدیل می‌کند. بدون شک این شیوه نارساترین نوع ترجمه است و نمی‌تواند معنای کلمات زبان مبدأ را کاملاً برساند. ترجمه همگام در کلامی همانند قرآن که در آن انواع استعاره‌ها، کنایه‌ها و مثلها به کار برده شده است، اصلاً امکان‌پذیر نیست. و در صورت اعمال آن، معانی مستهجن رخ خواهد نمود.

۲ - ترجمه معنوی: در این روش مترجم تلاش می‌کند که پیام و معنا را از قالبی به قالب دیگر بریزد تا معنای مراد را کاملاً ادا نماید؛ یعنی سعی می‌شود بی کم و کاست مقصود متکلم برگردان شود. اگر چنانچه نیازمند به تقدیم و تأخیر و کم و زیاد کردن بعضی عبارات باشد آن را مرتکب خواهد شد، مترجم به نظم و ترتیب اصل و زبان مبدأ پای‌بند نیست. در ترجمه کتاب‌های علمی این سبک در بیشتر موارد رعایت شده است.

۳ - ترجمه تفسیری: در این روش مترجم به شرح و بسط مطالب به زبان مقصد می‌پردازد.

۴ - شرایط مترجم: مترجم قرآن دست‌کم باید دارای شرایط ذیل باشد:

۱ - باید به دو زبان مبدأ و مقصد کاملاً مسلط باشد و با رموز و ظرایف و دقایق هر دو زبان آگاه باشد. اسلوب‌ها و روش‌ها و ویژگی‌های دو زبان را بشناسد.

۲ - ترجمه را به گونه‌ای ارائه دهد که همه معانی و پیام‌های متن را منتقل و خواننده را مستغنی و بی‌نیاز از اصل سازد.

۳ - دانش دینی مترجم قرآن در اندازه باشد که بتواند قبل از اقدام به ترجمه به تفاسیر معتبر مراجعه و به استنباط شخصی خود از آیه اکتفا نکند.

۴ - مترجم باید خود را از خواسته‌های درونی برآمده از محیط و باورهای تقلیدی آزاد سازد. و صرفاً در صدد فهم آیات باشد و واضح است فراهم آمدن همه این موارد در یک فرد برای ترجمه کلام الهی بسی دشوار و در مرز محال است.

دشواری ترجمه قرآن

کتابی که مورد ترجمه قرار می‌گیرد، هر چه علمی‌تر، فراگیرتر و موضوع آن حساس‌تر و والاتر باشد، ترجمه آن هم نیازمند به دقت، ظرافت و لطافت بیشتری خواهد داشت. بر این اساس دشوارترین ترجمه، بازگردان قرآن است؛ چون قرآن کتاب الهی و تجلی‌گاه مطلق او با همه اسماء و صفاتش می‌باشد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «تَجَلَّى اللهُ لَخَلْقِهِ فِي كَلَامِهِ وَ لَكُنْهُمْ لَا يَبْصُرُونَ»؛ و از آنرو که مهندسی ساختار و ریختار تک واژه‌ها و جملات قرآن بوسیله حکیم مطلق آفرینش، بر اساس حکمت و اتقان و غنی و به عنوان معجزه ابدی خدا در بستر تاریخ سامان و تنظیم یافته است و مترجم باید علاوه بر آشنایی به زبان مبدأ و مقصد و شناخت لغات و اصطلاحات و داشتن تخصص در رشته مورد ترجمه و یا دست‌کم اطلاع از موضوع مورد ترجمه، بتواند پیام‌ها و ویژگی‌های معنایی و محتوای آن را انتقال دهد، تا اتقان، جذابیت، لطافت، زیبایی، تأثیرگذاری، تحول‌آفرینی و جاودانی آن وحی نامه الهی، محفوظ بماند. مخلوق محدود را توان پرواز تا اوج کلام خالق نامحدود نیست بعلاوه لغات و ترکیب‌های انسان مخلوق با گذشت زمان دستخوش تغییر و فقدان حلاوت می‌گردد، در صورتی که الفاظ و آهنگ آیات الهی همیشه جذابیت و لطافت نخستین خود را حفظ نموده است و چگونه می‌تواند مخلوق، الفاظ دچار رکود و کهنگی و فرسایشی خویش را جایگزین ترکیب‌های بدیع و بی‌بدیل طراح و مهندس و معمار آفرینش سازد.

نگاهی به ترجمه‌های گذشته فارسی نمایانگر این است که، آنها حلاوت خود را از دست داده، ترکیب جمله‌ها، ساختار کلمات متروک و فرسوده گشته و به گوش، ناآشنا، و به فهم نامأنوس گردیده‌اند ولی ترکیب‌ها و آهنگ قرآن همچنان تازه و کهنه نشده باقی مانده است.

امام رضا علیه السلام در پاسخ اینکه چرا قرآن همیشه تازه است، فرمود: «انَّ اللهَ تبارك و تعالی لم يجعله لزمان دون زمان و لناس دون ناس فهو فی كل زمان جدید و عند كل قوم غض الی یوم القیامة».

۵) مزایا و ویژگی‌های ترجمه استاد الهی قمشه‌ای

او برای اولین بار در سال ۱۳۲۳ بر خلاف روش سلف از ترجمه تحت‌اللفظی و همگام عدول کرد و آغازگر ترجمه‌ای نوین و امروزی از وحی نامه الهی در ایران شد. او سعی کرد کلام الهی را به زبان فارسی روان و شیرین و خوشخوان برگرداند.

در ۶۰ سال اخیر ترجمه او از بیشترین محبوبیت و شهرت برخوردار بوده است. آیت الله بروجردی رحمه الله فقیه پرآوازه جامع و مقتدر در دهه ۳۰ و ۴۰ آن ترجمه را بنا به نقل متواتر، بسیار ستوده و پسندیدند. علامه طباطبایی رحمه الله در سال ۱۳۵۲ در مجلس ختم آن مرحوم فرمودند: در این سال دو فرد روحانی که خیلی به روحانیت آنها ایمان داشتم، از دست ایران بدر رفت، یکی مرحوم محمد تقی آملی و دیگری مرحوم قمشه‌ای. با همه کاستیهایی که در ترجمه او مشاهده می‌شود اما آن ترجمه دارای امتیازها و نکات مثبت بسیاری نیز هست که به برخی از آن اشاره می‌کنیم:

- ۱ - اخلاص و صفای باطن مترجم طبق قانون سنخیت بین علت و معلول، در جملات و عبارات و ترجمه او جلوه کرده، و نورانیت و جذبه خاصی بر متن ترجمه او حاکم است و همین ویژگی خلوص نوشتاری رمز و راز پایداری آن ترجمه بوده است. (راز گستره طولی)
- ۲ - قلم روان و انشای سلیس و ادبیات نو و مدرن مترجم باعث شده که فهم عبارات قرآنی برای همه آسان شود، و در نتیجه مورد پسند عموم واقع شده است. (راز گستره عرضی)
- ۳ - دارای خلاصه التفسیر است و توضیحات کوتاه تفسیری میان پرانتز که مطابق با اعتقادات حقّه شیعه است فهم آیه را روشن می‌سازد.
- ۴ - به اعتقاد برخی از کارشناسان و پژوهشگران حوزه ترجمه قرآن، ترجمه او در مقایسه با ده‌ها ترجمه نو ظهور جدید، در برخی از آیات، از امتیازات و کمال و اتقان بیشتری برخوردار است. ۷

۶) سیر نقدها بر آن ترجمه

اولین نکته‌ای که باید مطرح کرد این است که، برخی معتقدند، ترجمه الهی قمشه‌ای در واقع همان ترجمه بصیر الملک به علاوه نکات تفسیری است. بصیر الملک (۱۳۳۰-۱۲۴۹) از رجال فرهنگی متدین دربار ناصرالدین شاه بوده است. آقا بزرگ تهرانی ترجمه بصیر الملک را کاری در حوالی سال ۱۳۱۱ شمسی برشمرده است و گفته می‌شود که ترجمه بصیر الملک زیر نظر الهی قمشه‌ای نوشته و تنظیم شده است. ۸ استاد معرفت هم با تنظیم جدولی و داوری مختصر در ارتباط با ترجمه‌های معاصر، ترجمه قمشه‌ای را در واقع همان ترجمه بصیرالملک به علاوه نکات تفسیری می‌دانند. ۹. این‌جانب در مخزن کتابخانه مرکز فرهنگ و معارف قرآن قم به قرآنی برخورد نمودم که پشت جلد آن بصیر الملک نوشته شده ولی در داخل آن عنوان الهی قمشه‌ای به عنوان مترجم آمده است. به هر حال ترجمه الهی قمشه‌ای که در سال ۱۳۳۲ به چاپ رسید از آن تاریخ تاکنون بیشتر از یکصد بار به چاپ رسیده است و در این مدت نقدهایی بر آن به نگارش درآمده است که به صورت فشرده اشاره می‌کنیم:

- ۱ - پاینده: اولین نقدی که بر این ترجمه نوشته شد، نقد مرحوم ابوالقاسم پاینده در مقدمه ترجمه قرآن خود بدون یاد کرد نام قمشه‌ای بود. او پنج نمونه از لغزشهای او را بر شمرده است. ۱۰) آیات ۲۸۱ - ۲۳۲ - ۶۱ - ۳۶ بقره و ۸ انعام)
- ۲ - طالقانی: دکتر سید عبدالوهاب طالقانی فرهنگی بازنشسته آموزش و پرورش و رئیس اسبق دارالقرآن الکریم مرحوم آیه الله گلپایگانی در قم نیز به نقد ده نمونه از ترجمه او پرداخته است. ۱۱)
- ۳ - قمشه‌ای: فرزند دانشور و دانشمند او دکتر حسین الهی قمشه‌ای بر آن ترجمه اصلاحاتی نه کامل انجام داده که در سال ۱۳۶۱ به وسیله انتشارات امیر کبیر به چاپ رسید. ۱۲)
- ۴ - محمودی و مسعودی: آقایان محمد باقر محمودی و حسین مسعودی نیز دارای نقدهایی بر آن ترجمه هستند. ۱۳)
- ۵ - خرمشاهی: قرآن پژوه معاصر آقای بهاء الدین خرمشاهی که به قول خود پر کار و پراکنده کار است، نقدی مبسوط در ۱۱۰ بند تنظیم نموده و در کتاب «قرآن پژوهی» ۱۴ آورده و بخشی از آن نقد را در مجله «وقف میراث جاویدان» به چاپ رسانده است. ۱۵)
- ۶ - بهشتی: آقای دکتر احمد بهشتی در مقاله‌ای می‌پذیرد که ترجمه مرحوم قمشه‌ای دارای برخی کاستی‌ها و کمبودهاست. ولی برخی از انتقادهای خرمشاهی را بر ترجمه قمشه‌ای بی‌اساس دانسته و خاطر نشان کرده است که ترجمه آن شخصیت که انفاس قدسی و سیمایش ملکوتی و احوالش غیر ناسوتی است از مزایای بسیاری برخوردار است و زیبایی‌های فراوان و عیب‌های اندک و محدود است.

به عنوان نمونه نقد آقای خرمشاهی را در آیه ۱۲۴ بقره نمی‌پذیرد: «و اذ ابتلی ابراهیم ربّه بکلمات فاتمهّن قال انی جاعلک للناس اماماً قال و من ذریّتی قال لاینال عهدی الظالمین» آقای خرمشاهی مدعی است مراد از

«الظالمین» در آیه فوق به قرینه آیه: «الذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن و هم مهتدون»^{۱۶}، متمگران نیست؛ بلکه کافران و مشرکان است و می‌گوید بیشتر مفسران هم مقصود از ظلم را همان شرک و کفر می‌دانند و نتیجه‌گیری می‌کند که شرط امامت عصمت نیست، بلکه عدم تلبس به کفر و شرک است.

آقای بهشتی معتقد است گرچه در آیه سوره انعام ظلم به معنای شرک و کفر است اما در آیه سوره بقره مراد از ظالمین همان معنای خودش می‌باشد و ادامه می‌دهد که ظلم به معنای نهادن چیزی در غیر جایگاه اصلی‌ش می‌باشد و هر کاری که عقل و شرع نپسندند نوعی ظلم است. این مفهوم عام مصادیق متعددی دارد که کفر و شرک و نفاق هم از مصادیق آن است و چون در آیه سوره انعام سخن از پوشش ایمان به وسیله ظلم است و از سوی دیگر واضح است که هر ظلمی ایمان را نمی‌پوشاند؛ زیرا ایمان با فسق و گناهان کبیره و صغیره که نوعی ظلم است قابل جمع می‌باشد و تنها شرک و کفر است که آن را می‌پوشاند. «لَا یَغْفِرُ أَنْ یَشْرَكَ بِهِ وَ یَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ یَشَاءُ»^{۱۷} بنابراین آقای بهشتی در آیه سوره انعام حق را به خرمشاهی می‌دهد، ولی به نظر او در آیه سوره بقره مقصود از ظلم هر گناهی است که به عصمت ضرر رساند و نه تنها کفر و شرک بلکه هر گناه کبیره و صغیره‌ای را نیز در برمی‌گیرد. به نظر او ترجمه و سخن آقای خرمشاهی زیانبار است، چون نتیجه می‌گیرد که امام تنها باید موحد باشد و عدالت را شرط نمی‌داند. این ترجمه راه را برای امامت هارون‌ها و مأمون‌ها می‌گشاید در صورتی که این آیه از ادله محکمی است که شیعه به وسیله آن لزوم عصمت امام را از صغایر و کبایر اثبات می‌کند.^{۱۸}

۷ - احمدی: آقای دکتر احمد احمدی، کار الهی قمشه‌ای را عملی توأم با اخلاص نامبرده است و در ادامه می‌نویسد: «از بی دقتی و بی توجهی ناشران سودگرا اگر بگذریم ترجمه این نیک مرد دانشمند خطاهایی دارد که ترجمه را نیازمند اصلاحی چشم گیر می‌سازد»، ایشان به ذکر ۵ نمونه از خطاهای ترجمه الهی قمشه‌ای می‌پردازد.^{۱۹}

۸ - استاد ولی: ترجمه مرحوم قمشه‌ای با تصحیح و ویرایش حسین استاد ولی محقق معاصر توسط انتشارات الاسلامیه به چاپ رسیده است. او که ترجمه مرحوم قمشه‌ای را دارای نارسایی‌های فراوان دیده، در صدد برآمده تا علاوه بر اصلاح املائی و علایم نگارشی و ویرایشی، محتوای ترجمه را نیز کنترل و اصلاح، و اشتباهات و کاستی‌های آن را فی الجمله بزداورد. ایشان اگر ترجمه آیه‌ای را موافق یکی از اقوال مفسران یافته است (گرچه مخالف قول مشهور) آن را به حال خود باقی گذاشته است و اگر آیه‌ای بر طبق قرائت غیر معروف ترجمه شده است، در پاورقی به آن اشاره کرده است.^{۲۰}

۷) بررسی کوتاه نارسایی‌های ترجمه قمشه‌ای

ترجمه استاد الهی قمشه‌ای در عین اینکه پذیرفته‌ترین ترجمه در عصر جدید بوده است، دارای کاستیها و اشتباهات فراوانی همانند بی توجهی به ضمائر، معلوم و مجهول بودن فعلها، بدخوانی کلمات، پیش داوری ذهنی نسبت به آیه، عدم رعایت نکات ادبی در ریشه یابی برخی کلمات یا اعراب جملات، نقل به معنا، افتادگی و غیره می‌باشد.

در این مقاله برای هر یک از کاستی‌ها به یادکرد چند نمونه بسنده می‌شود و برای جلوگیری از تطویل و اطناب، از سایر بخش‌های آیه که مد نظر نیست خودداری می‌شود.

۱) جایگزینی ضمائر غایب و مخاطب و متکلم به جای یکدیگر

الف «کف تکفرون بالله» و کنتم امواتاً فاحیاکم ثم یمیتکم ثم یحییکم ثم الیه ترجعون»^{۲۱} چگونه کافر می‌شوند به خدا و حال آنکه مرده بودید و خداوند شما را زنده کرد... ترجمه درست: چگونه کافر می‌شوید... ب و «ما کان لنفس أن تموت الا باذن الله... و سنجزی الشاکرین...»^{۲۲} و البته خداوند سپاسگزاران را جزای نیک خواهد داد. ترجمه درست: سپاسگزاران را جزای نیک خواهیم داد. به علاوه از کاربرد و نقش حرف سین که برای استقبال قریب است غفلت شده است.

۲) بی توجهی به تذکیر و تأنیث

الف - «فلما اضاءت ما حوله...»^{۲۳} اطراف خود را روشن ساخت. ترجمه درست: اطراف او را روشن ساخت. اگر ضمیر «حوله» به نار و آتش که مؤنث مجازی است بر می‌گشت باید «حولها» می‌بود و حال آنکه ضمیر «حوله» به شخص منافق بر می‌گردد.

ب - «فأنت به قومها تحمله...» ۲۴ آنگاه قوم مریم به جانب او آمدند که از این مکانش همراه ببرند. ترجمه درست: مریم کودک را برداشت و نزد قوم خود آورد، در ترجمه مترجم چند اشتباه رخ داده است:

۱ - فاعل فعل «اتت» را قوم گرفته است در حالی که فاعل مریم است.

۲ - مرجع ضمیر مذکر «به» را مریم دانسته است در صورتی که مرجع و مقصود عیسی مسیح است.

۳ - واژه «قوم» را که مفعول و منصوب است فاعل و مرفوع پنداشته است.

۴ - فاعل فعل «تحمل» را قوم پنداشته است در حالی که مریم است.

خلاصه اینکه فعل «اتت» لازم است که به وسیله باء متعدی شده و ضمیرش به مریم باز می‌گردد و مرجع ضمیر «به» عیسی و فاعل «تحمل» مریم است.

ج - «فلما جاءتهم آیاتنا مبصرة قالوا هذا سحر مبين...» ۲۵ چون موسی آیات و معجزات ما را به آنها ارائه داد. ترجمه درست: چون معجزات بینا کننده ما آنان را آمد... «جاءت» مفرد مؤنث است و «آیاتنا» فاعل آن است نه اینکه فاعل «جاءت» موسی باشد و «آیاتنا» مفعول.

۳) بی‌توجهی به معلوم و مجهول بودن افعال

الف - «فیومئذ لا یعذب عذابه احد و لا یوثق و ثاقه أحد...» ۲۶ و آن روز به مانند عذاب انسان کافر هیچ کس عذاب نکشد و آن گونه جز انسان به بند گرفتار نشود. ترجمه درست: با اینکه هر دو فعل معلوم است و «احد» فاعل است ایشان هر دو را مجهول معنا کرده و در مرجع «عذابه» و «وثاقه» دچار خطا گشته است.

ب - «... ثم یحییکم ثم الیه ترجعون» ۲۷ و باز زنده کند و عاقبت به سوی او باز خواهید گشت. ترجمه درست: بازتان خواهند گردانید. چون فعل مجهول است و ایشان معلوم ترجمه نموده اند.

۴) بدخوانی کلمات

الف - «فلاهما بغرور...» ۲۸ پس راهنمای به فریب و دروغ کرد. ترجمه درست: پس شیطان با فریبی آن دو (آدم و حوا) را فرود آورد - از آسمان به زمین -

ایشان «دلی» فعل ناقص را «دل» مضاعف معنا نموده است.

ب - «و اکتب لنا فی هذه الدنیا حسنة و فی الآخرة انّا هدنا الیک...» ۲۹ ما به سوی تو هدایت یافته ایم.

ایشان کلمه «هدنا» را از هدی هدی به معنای هدایت دانسته اند و حال آنکه متکلم مع الغیر فعل ماضی از ماده «هاد یهود» بر وزن قال یقول به معنای توبه و بازگشت می‌باشد. این آیه نقل قول از موسی‌علیه السلام است و بنا به گفته برخی ریشه اشتقاقی واژه یهود کلمه «هدنا» همین آیه می‌باشد.

ج - «و مثل الذین ینفقون اموالهم... کمثل جنّة بریوة...» ۳۰ مانند دانه‌ای که در زمین شایسته بریزند. ایشان «جنة» را که به معنای بستان است، حبه خوانده اند و لذا به معنای دانه ترجمه کرده اند.

۵) بی‌توجهی به قرائت فعلی و متواتر

الف - «و کاین من ینی قاتل معه ربیون کثیر...» ۳۱ چه بسیار رخ داده است که پیغمبری جمعیت زیادی از پیروانش در جنگ کشته شده اند. ایشان آیه را بر مبنای «قتل» معنا کرده است. در حالی که قرائت متواتر حفص از عاصم «قاتل» است.

ترجمه درست: چه بسیار رخ داده است که پیغمبر جمعیت زیادی از پیروانش همراه او جنگیدند.

۶) بی‌توجهی به ریزه کاری‌های آیات

الف - «اولئک ما یأکلون فی بطونهم الا النار...» ۳۲ جز آتش جهنم نصیب آنها نباشد. در این ترجمه به مفهوم دقیق آیه که عبارت از تجسم مال حرام به آتش در شکم است و اینکه آنان اکنون آتش می‌خورند، اشاره ای نشده است.

۷) آمیختگی متن و شرح

ترجمه استاد الهی قمشه ای همراه با افزوده‌های تفسیری است که این افزوده‌ها نه جزو ترجمه محسوب می‌گردد و نه تفسیر به معنای عادی و عرفی آن است؛ زیرا به صورت مزجی است که آن افزوده‌ها در تار و پود هر ترجمه تنیده شده است و خواننده باید بسیار آشنا و کارشناس در عربیت باشد تا با مقابله دقیق در هر آیه‌ای و بلکه در هر جمله‌ای بتواند آنچه را قرآنی است از آنچه افزوده مترجم است باز شناسد. ادب شرعی و علمی ایجاب می‌کرد که مترجم افزوده‌های خود را داخل قلاب و یا پرانتز قرار می‌دهد.

الف - « من اهل الكتاب... ذلك بانهم قالوا ليس علينا في الاميين سبيل» ۳۳ این رو گویند که برای ما پیروان کتاب تورات به هر وسیله ای خوردن مال غیر اهل تورات گناهی ندارد. ترجمه درست: از این رو که گویند امییان را به ما راه و حق اعتراضی نیست در این ترجمه متن از شرح قابل بازشناسی نیست.)

ب - «ولقد كنتم تمنون الموت من قبل ان تلقوه فقد رأيتموه و انتم تنظرون» ۳۴ شما همان کسانی که پیش از آنکه دستور جهاد برای مسلمین بیاید با کمال شوق آرزوی جهاد و کشته شدن در راه دین می‌کردید. پس چگونه که امروز که به جهاد مأمور شدید سخت از مرگ نگران می‌شوید. این ترجمه سه اشکال دارد:

۱ - این آیات مربوط به پس از جنگ بدر است که در ضمن آیات مربوط به جنگ احد آمده است و در نبرد بدر دستور جهاد آمده بود. نه اینکه آیات مربوط به قبل از جنگ بدر باشد که هنوز دستور جهاد نرسیده بود.

۲ - متن و شرح آنچنان به هم آمیخته است که امکان جداسازی آن دو وجود ندارد.

۳ - فعل «تنظرون» اشتبهاً به معنای اضطراب و نگرانی ترجمه شده است.)

۸) جابه‌جایی صفت و موصوف با مضاف و مضاف الیه
الف - «ذلك نلتوه عليك من الآيات و الذکر الحكيم» ۳۵ این سخنان که بر تو می‌خوانیم از آیات الهی و ذکر حکمت‌های خدای حکیم است. حکیم صفت ذکر است و مراد از ذکر قرآن است که به صورت مضاف و مضاف الیه معنا شده است.

۹) نقل به معنی
الف - «و إن منهم لفريقاً يلوون ألسنتهم بالكتاب لتحسبوه من الكتاب» ۳۶ همانا برخی از اهل کتاب قرائت کتاب آسمانی را تغییر و تبدیل می‌دهند تا آنکه از پیش خود خوانده‌اند، از کتاب خدا محسوب دارند. ترجمه درست: در میان آنها کسانی هستند که زبان خود را به خواندن کتاب می‌چرخانند و می‌پيچند که گمان کنید از کتاب خداست در حالی که از کتاب خدا نیست.)
بواتعوا رضوان الله و الله ذو فضل عظيم» ۳۷ و پیرو رضای خدا شدند و خداوند صاحب و رحمت بی‌منتهاست. ترجمه درست: خداوند دارای فضل و بخشش بزرگ‌گست.

ج یرید الله ألا يجعل لهم حظاً في الآخرة و لهم عذاباً عظیم» ۳۸ و خداوند می‌خواهد که آنان را هیچ نصیبی در عالم آخرت نباشد و نصیبشان عذاب سخت خواهد بود. ترجمه درست: ... برای آنها مجازات بزرگ‌گست. در آیه اول واژه «عظیم» را به معنای بی‌منتها و در آیه دوم به معنای سخت ترجمه کرده است.)

۱۰) افتادگی‌ها
در بسیاری از موارد، از واژه‌های کلیدی و اساسی آیه ترجمه‌ای انجام نگرفته است که دستاویز قرار دادن آن می‌تواند آثار سویی در بر داشته باشد.

الف - «كما ارسلنا فيكم رسولا منكم يتلوا عليكم آياتنا...» ۳۹ چنانکه رسول گرامی خود را فرستادیم که آیات ما را بر شما بخواند. کلمه «منکم» ترجمه نشده است.

ب و الله خلقکم ثم يتوفاکم و منکم من یرد الی ارضه العمر...» ۴۰ خدا شما بندگان را آفرید بعضی را به سن انحطاط پیری می‌رساند. این عبارت دو اشکال دارد:

۱ - عبارت قرآنی «ثم يتوفاکم» به ترجمه در نیامده است.

۲ - «یرد» فعل مجهول است در حالی که در ترجمه خداوند فاعل جمله قرار گرفته است.

۱۱) کاستی ویرایشی
با بررسی ترجمه استاد الهی قمشه‌ای این نکته نیز به چشم می‌خورد که ترجمه از ویرایش بایسته برخوردار نیست و پرانتزهای موجود در ترجمه، هیچ حساب و کتابی ندارد.

الف - «يوم ينفخ في الصور و نحشر المجرمين يومئذ زُرْقاً» ۴۱ روزی که در صور دمیده شود آن بدکاران ازرق چشم محشور خواهند شد.) و چشم کبودشان نشانه جرم خواهد بود.

پرانتز باز شده است اما بسته نشده است.

ب - «و يوم نحشرهم و قال شرکاؤهم ما کنتم ایانا تعبدون» ۴۲ و ما روزی همه خلق را در قیامت جمع آریم آنگاه به مشرکان با قهر و عتاب گوئیم شما و

بت‌هاتان در مکان خود بایستید سپس میانشان جدایی افکنیم و بتان و سایر معبودان باطل زبان گشوده گویند شما مشرکان هرگز ما را پرستش نکردید (یعنی پرستش شما ما را بی اثر و باطل و از روی هوا و هوس دنیوی بود و امروز همه نابود گشت.) پس امروز ما برای شما شفاعت و عذری نتوانیم خواست.

در این ترجمه چند اشکال وجود دارد:

- ۱ - به هم آمیختگی متن و مطالب تفسیری
 - ۲ - پرانتز در قسمت اول بسته نشده است.
 - ۳ - پرانتز آخر تفصیل غیر لازم است.
- البته احتمال داده می‌شود که به خاطر چاپ‌های متعدد کتاب، خلط ناشی از کوتاهی ناشران و حروفچین‌ها باشد.

۱۲) اجمال و تفصیل

یکی از کاستی‌های ترجمه این است که برخی آیات روشن توضیحات غیر لازم داده شده‌اند و بعکس آیات مجملی است که نیاز به توضیح دارند، که از کنار آنها گذشته شده است.

- ۱ - حسن زاده آملی، حسن، نامه‌ها، برنامه‌ها / ۸۰.
- ۲ - معرفت، محمدهادی، تاریخ قرآن، انتشارات سمت، ۱۳۷۷ ش، / ۱۸۵.
- ۳ - همان، / ۲۰۰.
- ۴ - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۹۲/۱۰۷.
- ۵ - طالقانی، سید عبدالوهاب، کیهان اندیشه، شماره ۱۳۶۸ □ ۲۸ ش.
- ۶ - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۲/۲۸۰.
- ۷ - خرمشاهی، بهاء الدین، قرآن پژوهی، مرکز نشر فرهنگی مشرق، تهران/ ۴۹۶.
- ۸ - معتمدی، رسول، مجله پیام قرآن، شماره ۳، سال ۴۴ / ۱۳۷۳.
- ۹ - معرفت، محمدهادی، تاریخ قرآن، انتشارات سمت، ۱۳۷۷ ش / ۲۰۴.
- ۱۰ - پاینده، ابوالقاسم، مقدمه قرآن مجید، انتشارات جاویدان، تهران ۱۳۳۶.
- ۱۱ - طالقانی، سید عبدالوهاب، کیهان اندیشه، شماره ۱۳۶۸ □ ۲۸ ش.
- ۱۲ - حجت‌هادی، عیار نقد بر ترجمان وحی، انتشارات فرهنگ گستر، تهران، ۱۳۷۹.
- ۱۳ - همان.
- ۱۴ - خرمشاهی، بهاء الدین، قرآن پژوهی، مرکز نشر فرهنگی مشرق، تهران/ ۴۵۶.
- ۱۵ - خرمشاهی، بهاء الدین، مجله وقف میراث جاویدان، انتشارات اوقاف و امور خیریه، تهران، شماره ۱۳۷۲ □ ۳ ش.
- ۱۶ - انعام / ۸۲.
- ۱۷ - نساء / ۴۸.
- ۱۸ - بهشتی، احمد، مجله وقف میراث جاویدان، سال دوم، شماره ۱۳۷۳ □ ۵ ش.
- ۱۹ - احمدی، احمد، مجله بینات، شماره ۱۳۷۷ □ ۱ ش.
- ۲۰ - ترجمان وحی، سال سوم، شماره ۱۳۷۸ □ ۱ ش.
- ۲۱ - بقره / ۲۸.
- ۲۲ - آل عمران / ۱۴۵.
- ۲۳ - بقره / ۱۷.
- ۲۴ - مریم / ۲۷.
- ۲۵ - نمل / ۱۳.
- ۲۶ - فجر / ۲۴.
- ۲۷ - بقره / ۲۸.
- ۲۸ - اعراف / ۲۲.
- ۲۹ - اعراف / ۱۵۶.
- ۳۰ - بقره / ۲۶۵.
- ۳۱ - آل عمران / ۱۴۶.
- ۳۲ - بقره / ۱۷۴.
- ۳۳ - آل عمران / ۷۵.
- ۳۴ - آل عمران / ۱۴۳.
- ۳۵ - آل عمران / ۵۸.
- ۳۶ - آل عمران / ۷۸.
- ۳۷ - آل عمران / ۱۷۴.

- ٣٨ - آل عمران / ١٧٦ .
٣٩ - بقره / ١٥١ .
٤٠ - نحل / ٧٠ .
٤١ - طه / ١٠٢ .
٤٢ - يونس / ٢٨ .